

■ کمیته‌ی حمایت چه توفیق‌هایی به دست آورد؟

کمیته‌ی حمایت توانست مثل یک چتر فراگیر عمل کند. یعنی به‌رغم زمینه‌هایی از اختلاف‌نظر و شکاف میان فعالان دانشجویی که توضیح آن طولانی است، کمیته‌ی حمایت توانست در این مسأله، بچه‌ها را زیر یک چتر واحد جمع کند. مکانیزم‌ها طوری طراحی شده بودند که دافعه ایجاد نشود. قرار شده بود سازوکار فراگیرتر نشریات به کار گرفته شود. در این فضا سه-چهار جلسه معاون دانشگاه را به دانشکده «حضر کردیم» و اعتراض‌های ریشه‌ای مطرح شد و آخرالامر معاون دانشگاه و رئیس کمیته‌ی انضباطی پای میز آمد و توافقنامه را امضا کرد.

ارتباطات گسترده‌ی بی‌سابقه‌ی میان بچه‌ها ایجاد شد. بچه‌ها بدون این که دغدغه‌ی نام و نشان داشته باشند، و بدون کوچکترین چشمداشتی، با اخلاص و برای برپایی حقوق خود کار می‌کردند و دنبال این نبودند که حتماً اسم تشکل و جریان و شخص آن‌ها باشد. آن زمان فارغ از این که میدان‌دار قضیه چه کسی است، همه برای اصلاح کمیته‌ی انضباطی تلاش می‌کردند. به هر حال اتحادی شکل گرفت میان نیروها با گرایش‌های مختلف و از ابزارهای موجود حداکثر استفاده شد. در واقع توفیق اولیه، اتحاد عمل دانشجویان بود؛ علی‌رغم تنوعات فکری و سیاسی موجود، در قضیه‌ی کمیته‌ی انضباطی قریب به اتفاق جریان‌های دانشجویی اصیل، هم‌صدا و همراه شدند. اما بزرگترین ناکامی این بود که حوادث سال ۸۸ پیش آمد که به‌کل، جامعه و کشور را دگرگون کرد. امواج خروشان التهابات سال ۸۸ بسیاری از دستاوردهای حقوقی کمیته‌ی حمایت را که می‌شد نهادینه و تثبیت و در سال‌های بعد به کار بسته شود، با خود برد.

■ در آن زمان شیوه‌نامه در دسترس عموم بود؟

شیوه‌نامه‌ی سال ۸۴ در دسترس بود؛ اما در تیرماه سال ۸۸ به شکل عجولانه شیوه‌نامه‌ی جدیدی توسط دولت تدوین شده بود که با مهر محرمانه ابلاغ شده بود. بعد از اتفاقات سال ۸۸ بیش از ۱۰۰ دانشجو در شهریور ماه با ابلاغ کمیته‌ی انضباطی ممنوع‌الورود به دانشگاه یا خوابگاه شدند که تمامی این ابلاغ‌ها به سبب درج قید «تا اطلاع ثانوی» از ورود به محیط دانشگاه یا خوابگاه محروم هستند» غیرقانونی بود. به جز این، از آغاز سال تحصیلی ۸۸-۸۹ تخلفات گسترده‌ای توسط کمیته‌ی انضباطی آغاز شد که ذکر آن مثنوی هفتاد من است. البته کمیته‌ی حمایت هم کوتاه نمی‌آمد. مدام نظارت و رصد می‌کردیم و می‌گفتیم در فاصله‌ی این مدت کمیته انضباطی این تخلفها را انجام داده است و تا خرداد ۸۹ گزارش می‌دادیم.

به سبب قید خنده‌دار «محرمانه» بر شیوه‌نامه‌ی انضباطی جدید، تا اواخر سال ۸۸ شیوه‌نامه را نداشتیم؛ اما این قدر فشار توسط کمیته‌ی حمایت وارد شد و با دکتر قمصری (که آن زمان معاون

آموزشی دانشگاه و سرپرست معاونت دانشجویی - فرهنگی بود) درباره‌ی غیرقانونی بودن این کار گفت‌وگو شد که در نهایت اسفند ماه سال ۸۸ مهر محرمانه را لاک گرفتند و یک نسخه هم به کمیته‌ی حمایت دادند. اولین شیوه‌نامه‌ای که در کشور منتشر شد به دست کمیته‌ی حمایت رسید؛ چون در هیچ دانشگاهی شیوه‌نامه موجود نبود و همه‌ی دانشجویان سرگردان بودند.

بعد از دسترسی به متن مشخص شد مطابق همان شیوه‌نامه‌ی ۱۳۸۸ احکام صادره‌ی کمیته‌ی انضباطی دانشگاه در سال ۸۸ غیرقانونی بود؛ چرا که اولاً تمامی احکام صادره در طی این مدت به خاطر سلب حق برخورداری دانشجویان از مشاهده‌ی قوانین مورد ارجاع کمیته‌ی انضباطی، فاقد مبنای حقوقی و غیرقابل پذیرش بود. ثانیاً مطابق متن شیوه‌نامه‌ی اجرایی انضباطی جدید، ترتیباتی برای تعیین اعضای کمیته‌های انضباطی بدوی و تجدیدنظر معین و مسئولان دانشگاه «موظف» به ترمیم و اصلاح ترکیب کمیته‌ی انضباطی بر مبنای شیوه‌ی جدید شده بودند. به عنوان نمونه، مطابق با شیوه‌نامه‌ی جدید، کاندیداهای تصدی عضو هیأت علمی و اعضای دانشجویی کمیته‌ی انضباطی بدوی، بایستی

از سوی دانشکده‌ها معرفی شده و اعضای هیأت علمی و دانشجویی کمیته‌ها، به انتخاب شورای دانشگاه و شورای فرهنگی دانشگاه، از میان کاندیداهای معرفی‌شده توسط دانشکده‌ها، انتخاب شود. در حالی که در آن زمان نه از دانشکده‌ها خواسته‌شده بود که افرادی را برای عضویت در کمیته‌ی انضباطی معرفی نمایند و نه در شورای فرهنگی دانشگاه چنین انتخابی طرح شده بود. بنابراین مطابق تأکید شیوه‌نامه‌ی اجرایی انضباطی جدید که تصریح می‌کرد «ضروری است رئیس دانشگاه پیش از هرگونه اتخاذ تصمیم در شورا‌های انضباطی نسبت به ترمیم و تکمیل اعضای آنها اقدام کند» (ماده ۱ بخش ۱ شیوه‌نامه‌ی اجرایی انضباطی مصوب تیرماه ۱۳۸۸) احکام صادره توسط کمیته‌های مرکب از اعضای پیشین به سبب عدم رعایت شرط مذکور، فاقد مبنای حقوقی بوده و قابل اجرا نبودند.

تخلف بعدی فله‌ای بودن تخلفات بود. فهرستی از تخلفات یکسان برای بیش از ۱۰۰ دانشجو در نظر گرفته شده بود (نظیر اخلاص در نظر دانشگاه از طریق شرکت در اغتشاشات، توهین به مقدسات، آسیب زدن به اموال عمومی، ایجاد آلودگی صوتی از طریق گفتن ... اکبر و ...) که هر کسی احضار می‌شد همان تخلفات را جلوی او می‌گذاشتند به عنوان تفهیم اتهام! از همین ابتدا معلوم بود که هیچ گزارش مستند و مبنای حقوقی وجود داشت؛ وگرنه چطور ممکن بود که بیش از ۱۰۰ دانشجو به طور یکسان با تخلفاتی کاملاً مشابه تفهیم اتهام شوند؟

■ فعالیت‌های کمیته‌ی حمایت محدود به دانشکده‌ی علوم اجتماعی بود؟

خیر، گاهی اوقات از سایر دانشگاه‌ها هم می‌آمدند و چون کمیته‌ی حمایت مکان مشخص و مسئول معین نداشت؛ با پرس‌وجو از سایرین، اعضای کمیته را پیدا می‌کردند و مشورت می‌گرفتند.

■ کمیته‌ی حمایت تا چه زمانی فعال بود و علت متوقف شدن فعالیت کمیته‌ی حمایت چه بود؟

کمیته‌ی حمایت از بهمن ۸۷ تا خرداد ۸۹ فعالیت

شماره بیست و هفتم/ فروردین ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
مدیرمسئول: مهدی یار زمزم
سردبیر: صبورا سمنانیان

و بار دیگر «احضارهای غیرقانونی»

گزارشی از آنچه در واپسین روزهای سال ۹۴ بر دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی گذشت

”تنظیم گزارش: نگار گراوند

دانشجویی دانسته و آن را به رسمیت نمی‌شناسند.

● سوم. جمعی از شورا‌های صنفی دانشگاه‌های سراسر کشور بیانیه صادر می‌کنند

خبرگزاری انصاف نیز در تاریخ ۲۲ اسفند این بیانیه را منعکس کرد:

جمعی از شورا‌های صنفی دانشگاه‌های کشور در بیانیه‌ی مشترکی، نسبت به آنچه «احضارهای غیرقانونی دانشجویان دانشگاه تهران به کمیته انضباطی» خوانده‌اند، اعتراض کردند.

متن این بیانیه که نسخه‌ای از آن در اختیار انصاف نیز قرار گرفته در پی می‌آید: صبح روز سه‌شنبه ۱۸ اسفند سال ۱۳۹۴، درحالی‌که به ایام نوروز و تعطیلات رسمی دانشگاه نزدیک می‌شدیم، ۹ تن از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با تماس‌های تلفنی متعدد و البته غیرقانونی به کمیته انضباطی احضار شدند. با این احضارها آشکار شد علاوه بر این که تعداد احضارشدگان سیر صعودی گرفته، نحوه احضارهای غیرقانونی نیز بیش از پیش در دستور کار کمیته انضباطی قرار گرفته است.

دانشجویان که پیش از این به رویه احضارهای کتبی بدون درج موارد اتهامی در احضاریه، اعتراض رسمی و مشخصی داشته‌اند، اینک با احضارهای غیرشفاف شفاهی مواجه شده‌اند. لازم به ذکر است که این قبیل اقدامات، علاوه بر اینکه نفسی غیرقانونی داشته و غیرقابل پذیرش هستند، برای فضای دانشگاهی ماهیتی تشنج‌زا دارند.

در کنار این اتفاق، در این روز حکم انضباطی یکی دیگر از دانشجویان فارغ‌التحصیل این دانشکده نیز با عنوان

● دوم. خبرگزاری آنا با رئیس کمیته‌ی انضباطی مصاحبه می‌کند

یک روز پس از احضارها و صدور بیانیه‌ی شورای صنفی، خبرگزاری آنا مصاحبه‌ای با دکتر سرسنگی، معاون فرهنگی دانشگاه تهران و رئیس کمیته‌ی انضباطی، منتشر کرد. معاون فرهنگی دانشگاه در این مصاحبه مدعی شد که اکثر احضارشدگان شاکای خصوصی دارند و نباید این احضارها را به محدود کردن فضای دانشگاه ربط داد.

او به خبرنگار آنا گفت: «همه باید تابع قوانین دانشگاه باشیم، هرکسی قوانین را که عصاره نظام جمهوری اسلامی است زیر پا بگذارد باید پاسخگو نیز باشد.»

سرسنگی ابتدا احضار دانشجویان از یک دانشکده را «اطلاعات غلط» و بعد تصادفی خواند: «اینطور نیست که همه‌ی کسانی که احضار شده‌اند دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی باشند، شاید دوستان اطلاع ندارند. بالأخره کار کمیته انضباطی رسیدگی به شکایات است؛ حالا امکان دارد این دانشجو از هر دانشکده‌ای باشد.»

خبرگزاری آنا در انتها اضافه کرد: «کسب اطلاع خبرنگار آنا نشان می‌دهد که احضاریه‌های کمیته ی انضباطی تنها برای پنج نفر از این نه نفر امروز به دستشان رسیده است و البته نفر ششمی خارج از این نه نفر هم به کمیته انضباطی احضار شده است.»

باید آنچه گذشت را بی کم‌وکاست می‌گفتیم. «فقط» آنچه گذشت را! ولی فریادمان مدام به پروای کلمات پیچید و دلمان آمد از حال این یک ماهش بگوید. آخر دل و دست و فریادمان را غلاف کردیم و گذاشتیم دیگرانی که دلشان به اندازه ی دل ما پر نیست جایمان بنویسند.

● اول. شورای صنفی دانشکده‌ی علوم اجتماعی بیانیه صادر می‌کند

سه شنبه هجدهم اسفند نود و چهار شورای صنفی خوابگاه‌ها و دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیانیه‌ای صادر کردند؛ بیانیه در اعتراض به احضارهای غیرقانونی دانشجویان به کمیته‌ی انضباطی بود.

در این بیانیه از احضار شفاهی و غیر شفاف ۹ نفر از دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی خبر دادند و این اقدام را برای فضای عمومی دانشجویی، رعب‌آور و تشنج‌زا خواندند. در این بیانیه همچنین از صدور حکم انضباطی برای یکی از فارغ‌التحصیلان همین دانشکده خبر دادند؛ دو ترم تعلیق اخذ مدرک؛ حکمی که به گفته‌ی نگارندگان بیانیه هیچ پشتوانه‌ی قانونی ندارد. اعضای شورای صنفی همچنین اشاره کردند که این اتفاقات در فاصله‌ای کمتر از سه ماه پس از جلسه‌ی دوم دی ماه دانشجویان با هیأت رئیسه‌ی دانشگاه درحال رخ دادن است. گویا در این جلسه ریاست دانشگاه متعهد شده است که اقدامات غیرقانونی در باب احضار دانشجویان متوقف می‌شود. دانشجویان در پایان بیانیه اعلام نمودند که احضارها را غیرقانونی و با هدف سرکوب فعالیت‌های



آنجایی که دعوتنامه‌ای که توسط کمیتهٔ انضباطی ارسال می‌شود ممکن است توسط افراد مختلف خوانده شود و این امر موجب شود آبروی فرد به خطر بیافتد در این دعوتنامه دلیل احضار فرد قید نمی‌شود، اما امکان ندارد فرد به کمیتهٔ انضباطی مراجعه کند و دلیل احضار آن به خود فرد گفته نشود، درواقع هنگامی که فرد به کمیته مراجعه می‌کند پرونده را پیش روی او قرار داده و فرد می‌تواند هم محتویات پرونده را مطالعه کند». نکتهٔ اول این است که مطابق مادهٔ ۵ «شیوه‌نامهٔ اجرایی انضباطی دانشجویان» کمیتهٔ انضباطی اجازه دارد دلیل احضار را در دعوتنامهٔ کتبی ذکر کند. نکتهٔ دوم اینکه آقای سرسنگی در گفته‌های خود رسماً مهر و موم بودن دعوتنامهٔ ارسالی، محرمانه‌بودن آن و سازوکار تحویل نامه را زیر سوال می‌برد. آیا به‌راستی این امکان وجود دارد که دعوتنامه «توسط افراد مختلف خوانده شود»؟ نکتهٔ سوم این است که نیم‌روز چهارشنبه ۱۹ اسفند، ۶ دانشجوی احضارشده به همراه حدود ۶۰ تن از دانشجویان برای پیگیری و اعتراض به روند غیرقانونی و آکنده از ابهام این احضارها به دفتر کمیتهٔ انضباطی مراجعه کردند. پس از آن‌که ابتدا با درهای بسته‌شده مواجه شده و سپس نتوانستند به داخل راه یابند، خواستار آن شدند تا اتهامات خود را که در احضارنامه‌ها درج نشده بود به صورت علنی بشنوند. ۶ دانشجوی احضار شده با صراحت تمام اعلام کردند که هیچ مشکلی با پرده‌برداری از اتهامات خود در حضور جمع ندارند، اما مسوول مربوطه، جناب آقای دکتر ملی، علی‌رغم تمامی فشارها سرسختانه از این کار سر باز زد. چرا؟

۶. در جایی از این مصاحبه او مدعی می‌شود: «زآنجایی که بخشی از جرم این دانشجویان مشترک بوده به این صورت احضار شده‌اند». آیا به‌راستی رییس کمیتهٔ انضباطی دانشگاه تهران تفاوت جرم و اتهام را نمی‌داند؟ آیا نمی‌داند «جرم» به اتهامی اطلاق می‌شود که در دادگاه ثابت شده باشد؟ او به چه حقی دانشجویانی که به کمیتهٔ انضباطی احضار شده‌اند را مجرم می‌خواند؟

۷. در ادامهٔ مصاحبه با ایسنا وی می‌گوید: «دانشگاه تهران دانشجویان را به مسایل صنفی تشویق می‌کند و به دنبال تشکیل شورای مرکزی صنفی در دانشگاه است». جناب آقای دکتر سرسنگی، آیا فراموش کرده‌اید که وقتی در جمع دانشجویان معترض به وضعیت فاجعه‌بار صنفی دانشگاه حضور یافتید آنان به نشانهٔ اعتراض به اعمال سابق‌تان به شما پشت

کردند؟ آیا فراموش کرده‌اید آیین‌نامهٔ شورای صنفی مرکزی دانشگاه تهران با تلاش شبانه‌روزی فعالان صنفی تصویب شد؟ آیا کارشکنی‌های صورت‌گرفته بر سر بازگشایی شورای صنفی مرکزی دانشگاه تهران را فراموش کرده‌اید؟ چگونه می‌توانید خود را مشوق مسایل صنفی و حافظ منافع دانشجویان معرفی کنید؟ هرگز اجازه نخواهیم داد حاصل ماه‌ها تلاش هزاران دانشجو را این چنین مصادره به مطلوب کنید.

۸. در ادامهٔ مصاحبه وی مدعی می‌شود: «تعدادی از دانشجویان احضارشده هنگامی که برای دریافت نامهٔ خود به کمیته مراجعه کرده‌اند، نامه را جلوی دبیرخانه پاره کردند». نکتهٔ نخست اینجاست که دانشجویان نامه‌های خود را پیش از مراجعه به کمیته دریافت کرده بودند و مشخصاً به دلیل دیگری به آن‌جا رفتند. نکتهٔ دوم این است که ایشان حتی حاضر به اقرار این مساله نشد که پاره‌شدن احضارنامه‌ها از آن رو بود که دانشجویان رویکرد و سیاست‌های مفتضحانهٔ کمیتهٔ انضباطی را به مشروعیت نشناخته و به آن اعتراض دارند. اعتراض به اقداماتی که برای عموم دانشجویان، نمایانگر چیزی جز اذیت و آزار و سنگ‌اندازی بر سر راه امور صنفی که برای بهبود بنیادی‌ترین اساس حیات دانشجویی صورت می‌گیرند نیست. جناب آقای سرسنگی، کمیتهٔ انضباطی مدت‌هاست که در اذهان دانشجویان، دیگر چهره‌ای مثبت و حتی خنثی ندارد و بار روانی سنگینی که احضار حتی یک دانشجو بر فضای عمومی دانشگاه و دانشجویان دارد با صحبت‌های حضرتعالی، سبک نخواهد شد.

۹. در بخشی دیگر از مصاحبه او می‌گوید: «در بیانیه‌ای که توسط دانشجویان صادر شده به پروندهٔ فردی اشاره شده است که حکم دو ترم تعلیق اخذ مدرک را از کمیته دریافت کرده است». نکته اینجاست که حکم صادره خارج از تنبیهات ۲۰ گانهٔ مندرج در «شیوه‌نامهٔ اجرایی انضباطی دانشجویان» است و مطابق قانون این کمیته حق ندارد تنبیهی خارج از این شیوه‌نامه را برای دانشجویان در نظر بگیرد.

۱۰. در ادامهٔ مصاحبه با ایسنا آمده است: «دبیر کمیتهٔ انضباطی دانشگاه تهران در ادامه با بیان اینکه احضار دانشجویان به دلایل صنفی نبوده است، گفت: متأسفانه در این موارد از احساسات پاک دانشجویان سوءاستفاده می‌شود». جناب آقای سرسنگی، کسی که در حال سوءاستفاده از احساسات پاک دانشجویان است شما و هم‌قطاران‌تان هستید، نه فعالان صنفی و

شوراهای صنفی که در طول ماه‌های گذشته در تمام روزهای سخت در کنار دانشجویان بوده‌اند و از نظر گسترهٔ شورای عمومی فراگیرترین نهاد دانشجویی در محیط دانشگاهی هستید.

۱۱. اما مهم‌ترین نکته بخشی از مصاحبهٔ ایشان با روزنامهٔ شرق در تاریخ ۲۲ اسفند است که در آن آمده: «سرسنگی همچنین با اشاره به اینکه کمیته انضباطی هیچ‌وقت در یک سال گذشته یک مورد را هم بر مبنای فعالیت صنفی دانشجویی احضار نکرده، افزود: اگر چنین مسأله‌ای در یک سال گذشته در بین دانشجویان پیدا شود من عذرخواهی می‌کنم و استعفا می‌دهم». آیا به‌راستی منکر احضار جمعی از فعالان صنفی در ۲ شهریور ۹۴، ۲۹ آذر ۹۴، و ۱۸ اسفند ۹۴ هستید؟ جناب آقای سرسنگی، اگر همچنان منکر این امر هستید و به طرق مختلف تلویحاً ما را به فرافکنی متهم می‌کنید، امیدواریم عموم دانشجویان دانشگاه تهران را به رسمیت بشناسید و آنان را به «غیردانشگاهی بودن» متهم نکنید.

در پایان از حضرتعالی رسماً دعوت می‌کنیم در دانشکدهٔ علوم اجتماعی، مهمان دانشجویان این دانشکده و دانشگاه باشید تا دانشجویان به‌طور شفاف پاسخ شما را بدهند که آیا در طول یک سال گذشته هیچ فعالی صنفی به کمیتهٔ انضباطی احضار شده است یا خیر. اگر واقعاً چنین اتفاقی نیفتاده، دلیلی برای عدم حضور شما در میان دانشجویان وجود ندارد؛ اگر هم برای خودتان مبرهن هست که این احضارها در واقع صنفی بوده‌اند و به همین دلیل مایل به حضور در جمع دانشجویان نیستید، بی‌صبرانه منتظریم به قول خود عمل کنید و استعفا دهید!

انعکاس رسانه‌ای ماجرا نقداً در اینجا و با جوابیه‌ی شورای صنفی دانشکده متوقف شده است. به نظر می‌رسد از خلال این حجم از گفتگو، بیانیه و جوابیه –که همگی با انعکاس گسترده در رسانه‌ها به گردش درآمده بود– ابعاد مختلف قضیه برای افرادی که قدری دورتر از هسته‌ی وقایع حضور داشتند روشن شده باشد. حال باید دید ادامه‌ی این ماجرای آشنا و تأسف برانگیز «احضار گروهی» از سوی دانشجویان و مدیران دانشگاه چگونه رقم خواهد خورد. با این امید و تلاش که تغییر در عقاید و نگرش‌ها، ساختارها، اساسنامه‌ها یا هرآنچه منجر به وضع کنونی می‌شود، شرایط متفاوتی برای زیست دانشجو فراهم کند.

✽تمام وقایع با تقریب خوبی دقیق نقل شده‌اند.

برگزار

امواج خروشان سال ۸۸ دستاوردهای کمیته حمایت را با خود برد

گفت‌وگوی ویرگول با یکی از اعضای سابق

«کمیته‌ی حمایت از حقوق احضارشدگان به کمیته‌ی انضباطی»

”پیاده سازی: سرور بهروش، فاطمه برزگر، مریم جعفریان، مهدیار زمزم

”گفتگو و تنظیم مصاحبه: مهدیار زمزم

احضار گروهی جمعی از دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی در اسفند ماه سال گذشته باعث شد تا بار دیگر نام کمیته‌ی حمایت از دانشجویان انضباطی به سر زبان‌ها بیاید و دانشجویان به دنبال از سرگیری فعالیت آن باشند. کمال رضوی از دانشجویان دانشکده در سال‌های ۸۶ تا ۸۹ بوده که در شکل‌گیری این کمیته نقش داشته است.

او به دعوت تعدادی از دانشجویان به دانشکده آمد تا بخشی از تجربیات سال‌های گذشته‌ی خود و همردیفانش را با ساکنان کنونی دانشکده‌ی علوم اجتماعی سهیم شود. ویرگول هم از این فرصت برای یک گفت‌وگوی مفصل استفاده کرد که حاصل آن مصاحبه‌ی پیش رو است. کمال رضوی اگر چه اتفاقات سال‌های قبل را به دقت بازگو می‌کند اما باز هم توصیه می‌کند تا فقط به روایت او بسنده نکنیم و پای حرف سایر فعالان دانشکده در آن سال‌ها هم بنشینیم.

■ آقای رضوی ایده‌ی کمیته‌ی حمایت چگونه شکل گرفت؟

طی سال‌های قبل از شکل‌گیری کمیته‌ی حمایت، کمیته‌ی انضباطی عملاً به ابزار سرکوب تبدیل شده بود. یعنی هرجا دانشجویها سر و صدایی می‌کردند، می‌خواستند حق خواهی‌ای کنند یا اعتراضی داشتند کمیته‌ی انضباطی برای کنترل وضعیت توسط برخی مدیران دانشگاه به کار گرفته می‌شد تا اعتراض‌ها را خاموش کند. البته گاهی اوقات بعضی دانشجویان هم افراط می‌کردند. ۱۶ آذر که نزدیک می‌شد، جریان‌های دانشجویی خیلی متنوع و متکثر بودند و به این که باید فقط در برنامه‌ی تشکل‌های رسمی شرکت کرد، قائل نبودند و تقریباً هر سال دو سه تجمع موازی و تریبون آزاد در این ایام برگزار می‌شد. معمولاً سر همین تجمعات یک سری احضار گروهی صورت می‌گرفت. هر جریانی را می‌خواستند تحت فشار قرار دهند، با استفاده از همین اتهام‌ها یا مشابه آن احضار می‌کردند و برایش حکم می‌زدند. در روند تشکیل پرونده تا احضار دانشجویان و صدور حکم

آن‌ها موارد تخطی متعدد از خود شیوه‌نامه‌ی اجرایی انضباطی و آیین‌نامه‌ی انضباطی صورت می‌گرفت. این اعتراضات انباشته شده بود تا در ایام امتحانات نیمسال اول ۸۷ خودکشی یکی از بچه‌های رشته‌ی انسان‌شناسی- زنده‌یاد نبی پیرمحمدی- در کوی رخ داد؛ دی ۸۷ بود. بچه‌ها، فردای روزی که خبردار شدند در محوطه‌ی ریاست دانشکده تجمع سکوت خودجوشی برگزار کردند.

فضا خیلی حالت احساسی داشت. در صحبت‌ها مشخص شد نبی به اضافی‌ی مسائل شخصی‌ای که درگیرش بوده در روزهای منتهی به خودکشی، به کمیته انضباطی یا حراست هم احضار شده و این اتفاق باعث شده تا بیش‌تر از قبل تحت فشار قرار بگیرد. خودکشی نبی آتش زیر خاکستر را برافروخت و در کنار زمینه‌ی تاریخی اعتراضی که در آن چندسال وجود داشت، عواطف و احساسات شدیدی علیه کمیته‌ی انضباطی شکل گرفت.

به همراه جمعی از فعالان دانشجویی دانشکده پس از این اعتراض و تجمع سکوت اولیه، بین دو ترم جلسه‌ای در خوابگاه داشتیم که بررسی کنیم چه واکنشی باید نشان بدهیم. به این نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم اعتراض فراگیری داشته باشیم نیاز هست که جمع زیادی از فعالان دانشجویی با گرایش های مختلف حضور داشته باشند. به‌رغم اختلاف‌نظرهای رایج، همگی روی این نکته (فراگیر بودن فعالیت) اجماع‌نظر داشتیم. این جلسه سنگ بنایی شد تا همه‌ی جریانات در قضیه‌ی اعتراضات به کمیته‌ی انضباطی حضور داشته باشند. حتی بعضی از بسیجی‌ها هم نسبت به این قضیه معترض بودند ولی بعضی‌هاشان معتقد بودند قضیه‌ی نبی ربطی به کمیته‌ی انضباطی نداشته است.

در آن جلسه به این جمع‌بندی رسیدیم که زیر چتر نشریات دانشجویی می‌توان مجموعه‌ی فراگیری از همه‌ی جریانات را گرد آورد. اولین بیانیه با امضای سی و اندی از فعالان نشریاتی مثل واحه، نوروز، صبح، پگاه، سره و روز داوری منتشر شد. مضمون بیانیه این بود که کمیته‌ی انضباطی در خودکشی نویدمدخلیت داشته است و باید پاسخگو باشد که به چه حقی دانشجویان را در ایام امتحانات احضار کرده و استرس مضاعف ایجاد کرده است. همزمان با این بیانیه یک تریبون آزاد در لابی دانشکده برگزار شد که همان مجموعه ساماندهی‌اش کردند. اجرای این برنامه و برنامه‌های آتی را هم در تقسیم کار به من سپردند؛ البته من روی صحنه دیده می‌شدم؛ در ایده‌پردازی،

طراحی و ساماندهی برنامه یک جمع پرشمار از فعالان دانشجویی با گرایش‌های مختلف حضور داشتند که اگر بخواهم نام ببرم، فهرستی طولانی خواهد بود؛ اما فقط اشاره می‌کنم که از بچه‌های انجمن دوستانی نظیر احمد طالبی، آرمان ذاکری، محسن جعفری، مریم رحمانی، ملیحه ریاضی، سپیده امیرکافی، فاطمه صالحی، حمیدرضا هندی و ... در جریانات حضور داشتند؛ از بچه‌های بیرون انجمن هم دوستانی نظیر رضا قاضی‌نوری، روح ... سپندارند، شهین غلامی، شکوفه اکبری، هیوا مجیدزاده، سپیده ثقفی، بنفشه رنجی، نازنین محمدنژاد، سبا حاج‌جعفر، یدآ... نعمتی، سپهر مساکنی، فرهاد قربان‌زاده و ... و از بچه‌های نشریه صبح، به جز من، عظیم حسن‌زاده نقش مؤثر داشت به علاوه‌ی فرزانه جلالی، آرش جوادی‌نژاد و هادی دوست‌محمدی؛ همچنان‌که از شورای صنفی دوستانی مثل بهروز سمنانی مشارکت داشتند و بچه‌های دیگر مثل حسام سلامت، نوح منوری، زنده‌یاد مهدی طباطبایی، علیرضا کیانفر و که غالباً هم بیانیه‌ی اولیه را امضا کردند و هم کمک‌های جدی و مؤثر فکری یا حمایتی داشتند.

تریبون آزاد برگزار شد و بعد از آن بچه‌ها در راهروهای سه طبقه حرکت کردند و سرود «یار دبستانی» خواندند و کلاس‌هایی که علی‌رغم درخواست برگزارکنندگان تریبون آزاد برای تعطیلی کلاس، دایر شده بود، خود به خود تعطیل شدند. جریان اعتراض‌ها به طور مستمر ادامه پیدا کرد و چند هفته‌ی متوالی مقارن با برگزاری برنامه‌های رسیدگی به تخلفات کمیته‌ی انضباطی که در سالن ابن‌خلدون دانشکده برگزار می‌شد، کلاس‌های زیادی تعطیل شد. اساتید هم عموماً همراهی می‌کردند و بعضاً اساتیدی نظیر دکتر فکوهی، صدیق، غفاری، راودراد و در جلسات شرکت می‌کردند.

■ دقیقاً از خلال این حرکات اعتراضی به دنبال چه بودید؟ برنامه‌ی مشخصی داشتید؟

مطلبه‌ی اولیه این بود که دکتر قمصری، معاون دانشجویی – فرهنگی که رئیس کمیته‌ی انضباطی هم هست، به همراه دبیر کمیته‌ی انضباطی – آقای غلامعلی‌زاد- بیانند نسبت به عملکرد کمیته‌ی انضباطی پاسخگو باشند. در بیانیه البته پنج مطالبه‌ی مشخص مطرح شده بود: برکناری دبیرکمیته‌ی انضباطی دانشگاه و معرفی دبیر جدید با مشورت اعضای شورای دانشگاه توسط رئیس دانشگاه؛ سپردن انتخاب نمایندگان دانشجویی کمیته‌ی انضباطی

دو تمهید مقابله با زیاده‌خواهی‌های کمیته‌های انضباطی

”حسام سلامت

از جهاتی احضارهای گروهی اخیر به کمیته‌ی انضباطی اتفاق جدیدی نیست و در سال‌های گذشته مسبق به سابقه بوده است. حافظه‌ی دانشجویی تجاری از این دست را به خوبی به یاد دارد و با جوانب آن کم و بیش آشناست.

با این‌همه از سال تحصیلی ۹۲ به بعد که ملازم بود با قدرت گرفتن دولت یازدهم و تغییر نسبی روندهای حاکم بر دانشگاه و تعدیل باز هم نسبی شرایط سختگیرانه‌ی امنیتی مسلط بر فضاهای دانشجویی، به ندرت پیش آمد که با احضارهای گسترده‌ی دانشجویان به کمیته‌های انضباطی طرف شده باشیم. شکل نسنجیده‌ی احضارهای اخیر با تماس‌های تلفنی بعضاً تهدیدآمیز و زمان نسنجیده‌تر احضارها در هفته‌ی منجر به تعطیلات نوروزی، در کنار فراخوان فله‌ای حدود ۱۱ نفر از دانشجویان فقط یک دانشکده، جملگی به ظنّ احیای فضای امنیتی سال‌های قبل دامن زده و فکر و خیال ترمیم رابطه‌ی نهادهای انضباطی دانشگاه با فعالان دانشجویی را دود کرده و به هوا فرستاده است. مسئله‌ی من اما در اینجا قیاس عملکرد این نهادها در شرایط فعلی با دوره‌های گذشته نیست. بنا ندارم در نهایت به این داوری برسم که امروز در همچنان بر همان پاشنه‌ی دیروز می‌چرخد یا چیزکی در این میان تغییر کرده یا نکرده است. در عوض، برایم جالب است که بهرسم بدنه‌ی دانشجویی در برابر رویه‌های احضار و دست‌بالاگرفتن کمیته‌های انضباطی چه می‌تواند انجام دهد؟

هر چند نقش‌آفرینی این کمیته‌ها در محیط دانشگاهی بسته به شرایط سیاسی حاکم بر روندهای کلان کشور و موازنه‌ی نیروهای سیاسی در هر دوره‌ی تاریخی «کم و بیش» تغییر می‌کند و به از این حیث، تابع قبض و بسط‌های پراتیک هر برهه‌ی تاریخی است؛ اما این نقش‌آفرینی که متناسب با کارویژه‌ی این کمیته‌ها اساساً واجد ماهیتی انضباطی-امنیتی است هیچگاه - حتی در صورت تکیه‌ی دولتی به تمامی همسو با مطالبات دانشجویی بر مسند امور - به تمامی متوقف نمی‌شود یا از کار نمی‌افتد و به همین دلیل ساده در هر شرایطی می‌بایست برای مواجهه با آن برنامه‌ی مشخصی داشت و تمهیدات درخوری اندیشید.

در این فرصت می‌خواهم تنها به دو تمهید اشاره کنم، یکی برمی‌گردد به نظارت سفت و سخت بر عملکرد «قانونی» این کمیته‌ها و دیگری مربوط می‌شود به هزینه‌سازی برای احضارهای تهدیدگرانه‌ی فردی یا گروهی. چنانکه می‌دانیم هر دوی این تمهیدات بارها توسط بدنه‌ی دانشجویی دنبال شده‌اند و بسته به مورد کامیاب نیز بوده‌اند.

در همین دانشکده‌ی علوم اجتماعی در فاصله‌ی سال‌های ۸۷-۹۰ «کارگروه پیگیری احضارهای دانشجویی و نظارت بر عملکرد کمیته‌های دانشجویی» شکل گرفت که با اینکه در فضای انسداد تام و تمام فعالیت می‌کرد - آن سال‌ها را به یاد آورید - اما به واقع در الزام کمیته‌های انضباطی به رعایت مفاد قانون - که بی‌شک خود این قانون نیز، به نوبه‌ی خود، موضوع نقادی مستدل فعالان مستقل دانشجویی بود - موفق عمل کرد و آن را از رفتارهای سلیقه‌ای و دلخواهی تا حد چشمگیری بازداشت. در آن کارگروه تنوع گسترده‌ای از دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی - و شماری از دیگر دانشکده‌ها - به‌رغم تفاوت‌های سیاسی و اختلافات ایدئولوژیک بر سر مطالبه‌های مشخص و مسئله‌ای مشترک گرد آمده و در برابر زیاده‌خواهی‌های اربابگرانه‌ی کمیته‌های انضباطی، از مجرای تجمیع نیروی اجتماعی‌شان، مقاومت مؤثری ترتیب داده بودند که هنوز هم تجربه‌ی بی‌مانند تکرارنشده‌ای است که می‌تواند و ای بسا باید - با عنایت به شرایط دستخوش دگرگونی فعلی - از سر گرفته شود.

در موضوع هزینه‌سازی کردن احضارهای بی‌رویه‌ی کمیته‌های انضباطی هم موضوع روشن‌تر از آن است که نیاز به توضیح اضافه‌ای داشته باشد. همبستگی بدنه‌ی دانشجویی - از تشکل‌ها گرفته تا فعالان مستقل - در ماجرای احضارها و ایستادگی مدنی در برابر چنین رویه‌ای - فارغ از اینکه برخوردها با چه کسانی، با کدام جهت‌گیری فکری یا تعلق ایدئولوژیک یا تمایل سیاسی انجام گرفته باشد - بی‌تردید می‌تواند نهادهای انضباطی را در قبال رفتارشان با فعالان دانشجویی محتاط کند و در پیوند با تمهید اول - نظارت پیگیرانه بر عملکرد «قانونی» کمیته‌ها - مجال عرض اندام بی‌رویه را از آن‌ها سلب نماید. آمادگی برای روزهای سخت پیش رو ایجاب می‌کند این تمهیدات - و تمهیدات دیگری از این دست را - هر چه زودتر جدی بگیریم.

پر کردند؛ شورای مرکزی نداشت. جلسات عمومی مرتبی هم داشتیم. یک گروه اینترنتی راه انداختیم که در آن درباره‌ی مسائل مختلف تبادل نظر می‌شد که چهل-پنجاه نفر عضو داشت. جلسات عمومی در اتاق گروه جامعه‌شناسی در طبقه‌ی چهارم برگزار می‌شد. تا قبل از انتخابات سه یا چهار جلسه برگزار شد و تمام کارهایی که انجام می‌شد خروجی جلسه‌های کمیته حمایت بود: چاپ بروشور و نشریه، برگزاری برنامه و متن توافقنامه.

کارهایی مثل مشورت دادن به بچه‌های احضار شده به کمیته‌ی انضباطی، نظارت بر عملکرد کمیته‌ی انضباطی از طریق عمومی کردن اعمال خلاف قانون و آموزش دستورالعمل‌ها و موارد قانونی لازم به دانشجویان هم از سایر کارها بود. کار کمیته از بعد قضایی ۸۸ در همین حد بود به اضافه‌ی بعضی از پیگیری‌ها که خود بچه‌ها انجام می‌دادند تا مشکلات را به صورت موردی حل کنند مثل لغو حکم‌های عدم ورود به دانشگاه و رسیدگی به ۱۲۰ احضاریه‌ای که دادگاه انقلاب برای دانشجویان صادر کرده بود.

■ حالا که بعد از گذشت حدود ۶ سال کمیته‌ی حمایت مجدداً در حال احیا است، چه توصیه‌ای برای این کمیته و فعالیت‌های پیش رویش دارید؟

به نظرم چه خوب است که دوستان فعلی جوانب کار را در نظر بگیرند و بدون سنجش ابعاد و پیامدها عمل نکنند. نکته‌ی دوم اینکه حرکات دانشجویی باید فراگیر باشد تا مدیریت نتواند از اختلاف بین بچه‌ها استفاده کند؛ یک شکاف کوچک می‌تواند به یک انحراف بزرگ و رویارویی تمام‌عیار بین جریان‌های دانشجویی ختم شود. بی‌اعتمادی‌ها را باید حل کرد و اگر واقعاً حل نمی‌شود، حداقل به آن‌ها دامن نزنیم. به نظرم باید در تحلیل‌مان بین دولت فعلی و قبلی تفاوت قائل بشویم، اگر چه در بدنه‌ی دولت فعلی هم ممکن است مدیرانی با تفکر اقتدارگرایی باقی مانده باشند یا حتی با رویکرد اعتدالی باشند که به فکر دانشجوی و حقوق او نباشد، ولی می‌شود با پافشاری و پیگیری بخشی از این حقوق از دست رفته را زنده کرد. یک کاسه کردن تمام مدیران و دولت‌های قبل و بعد، به اشتباهات راهبردی می‌انجامد. باید روی تمایزها و تفکیک‌های میان مدیران کار کرد و مدیرانی را که ولو اندکی مدافع حقوق دانشجویی هستند، تقویت و از تضعیف آن‌ها خودداری کرد.

شاید از دلایل عدم توفیق کامل کمیته‌ی حمایت در گذشته رادیکال بودن زیاد آن بود؛ چون به هر حال هر چه فضا رادیکال‌تر باشد، دوام فعالیت هم کوتاه‌تر خواهد بود و بعداً کسی جسارت پیدا نمی‌کند تا بیاید و کار را از تیم قبیل تحویل بگیرد.

کمیته‌ی حمایت چند وجه دارد. یک وجه، بعد مصداقی - حمایتی است که به دنبال رسیدگی به پرونده‌های افراد و حل مشکلات موردی آن‌هاست؛ اما جنبه‌ی مهم‌تر، نظارتی است؛ باید دائم بر اعمال کمیته‌ی انضباطی نظارت کند و با انتشار گزارش عموم را در جریان بگذارد. وجه سوم آن است که باید به منظور ارتقای اطلاعات حقوقی دانشجویان دست به فعالیت‌های آموزشی بزند. این اقدامات به دو شیوه‌ی عینی (رودرو و حضوری) و مجازی که اولی از دومی مهم‌تر است، امکان‌پذیر است.

امیدوارم شما و دیگر دوستان در پیگیری حقوق حقه و قانونی خود پایدار و مقاوم و ثابت‌قدم باشید و مدیران دانشگاه بیش از پیش خود را ملزم به رعایت قانونی و عمل به روح مندرج در فلسفه‌ی وجودی کمیته‌ی انضباطی بدانند.

تداوم شیوه «احضار و برخورد»؛ چرا؟! آرمان ذاکری

تداوم این شیوهی غلط که نتیجه‌ای جز افزایش شکاف میان آن‌ها و دانشجویان و بدبین شدن هر چه بیشتر دانشجویان نسبت به عملکرد مدیران ندارد، راه «گفت‌وگو» و «پاسخگویی» در پیش گیرند. پیش گرفتن این شیوه مستلزم چند تغییر اساسی در شیوهی مدیریت دانشگاه است:

۱. نحوه‌ی اداره‌ی کمیته‌های انضباطی و الگوی عمل آن، نسبت به دوره‌های گذشته تغییر چندانی نکرده است. ایجاد تحولی جدی در کمیته‌های انضباطی می‌تواند از بدبینی دانشجویان نسبت به مدیران بکاهد و زمینه‌های گفت‌وگویی سالم را میان آن‌ها فراهم کند. شفاف‌سازی عملکرد این کمیته‌ها به وسیله‌ی حضور در جلسات عمومی و ارائه گزارش از تعداد احضارها و احکام در بازه‌های معین زمانی به تفکیک موضوع احضار، بازگشت به چارچوب‌های قانونی و اجازه به دانشجویان برای دفاع حضوری در جلسات کمیته انضباطی و همچنین تغییر برخی نیروهایی که نگاه‌های امنیتی را از دوره‌های گذشته تاکنون با خود حمل می‌کنند می‌تواند در این حوزه مؤثر باشد.

۲. مسئولان دانشگاه باید بپذیرند که مسائل «صنفی» در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین مطالبات دانشجویان است. آنها باید در مورد عملکرد خود در این حوزه‌ها پاسخگو باشند و در این پاسخگویی حتماً می‌بایست به حرکت در جهت تحقق مطالبات دانشجویان توجه داشته باشند. رفع سهمیه‌بندی جنسیتی و بومی‌گزینی در شیوه پذیرش، توقف توسعه دوره‌های پولی و جایگزین شدن آن با توسعه‌ی دوره‌های روزانه، توقف افزایش سهم پرداختی دانشجویان در خدمات دانشجویی، می‌تواند شروع خوبی برای تعامل با دانشجویان باشد.

۳. مسئولان دانشگاه باید زمینه‌ی شنیده شدن صدای دانشجویان توسط مسئولان رده‌بالای حاکمیتی را نیز فراهم کنند. چرا که در یک تحلیل کلان این دولت است که باید باور کند، همانگونه که پذیرفته در حوزه‌های «امنیتی» و «دفاعی» و «مذهبی»، همه‌ساله هزینه‌های هنگفتی را بپردازد، باید در حوزه‌های «اجتماعی» نیز هزینه‌هایی را بپردازد. هزینه «تحصیل» و «بهداشت» فرزندان ملت، قطعاً از مهم‌ترین این حوزه‌های اجتماعی هستند.

بدون حرکت در مسیر تحقق مطالبات دانشجویان، شیوه «احضار و برخورد» نیز نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

دانشگاه برای ارتقای سرمایه‌های منزلتی و فرهنگی حاشیه‌های طبقاتی، مذهبی و قومی از یک سو و از دست رفتن تدریجی محتوای انتقادی و آگاهی‌بخش دانشگاه به خصوص در رشته‌های علوم انسانی از سوی دیگر ثمره‌ی اصلی سیاست‌هایی است که پولی‌شدن دانشگاه و کلاسی‌شدن آموزش را دنبال می‌کند که در سخنان دانشجویان و حتی برخی مصاحبه‌ها و نوشته‌های جمعی از اساتید دانشگاه مورد اشاره قرار داشته است. علاوه بر این «طبقاتی‌شدن دانشگاه» و همچنین «مرکزگرا» شدن آن، دو آسیب مهمی است که با آرمان «عدالت» به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول جهت‌گیری شیعی و انقلابی، یعنی «قیام به قسط» نیز در تضادی آشکار قرار دارد.

لذا در یک تحلیل دقیق، می‌توان گفت خواسته یا ناخواسته کسانی که چنین سیاست‌هایی را پی می‌گیرند علاوه بر حرکت در مسیر بی‌عدالتی، جهت‌گیری‌های «ضد مذهبی» و «ضد انقلابی» را دنبال می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد موضوع اصلی در اینجا اعتراضات موردی چند دانشجو به چند سیاست خاص نیست. بحث بر سر سیاست‌های کلان اداره دانشگاه و تبعات آن است و نمی‌توان و نباید آن را به حوزه‌های خرد تقلیل داد. لذا مسئولان دانشگاه باید بپذیرند که مکانیزم «احضار و برخورد»، آن هم به صورت «دسته‌جمعی» که در ذهن دانشجویان یادآور شیوه‌ی اداره‌ی دانشگاه به خصوص در سالهای ۸۸ تا ۹۲ است، هرگز نتوانسته و اکنون هم نمی‌تواند منجر به بهتر شدن فضای دانشگاه گردد.

این که دانشجویان انتظار داشته باشند از مواهب «پسابرجام» بهره‌مند شوند و دولت بپذیرد تا به «تکالیف عمومی» خود در ارائه «خدمات به دانشگاهیان» عمل کند و مطابق اصول قانون اساسی «در گسترش دوره‌های رایگان» تلاش کند، به هیچ وجه یک مطالبه‌ی غیر منطقی نیست. هم از پشتوانه‌های غنی نظری علمی برخوردار است و هم الگوهای عملی آن (نظیر دانشگاه‌های فرانسه) موجود است. نقد «کلاسی‌سازی» نیز یکی از سرفصل‌های مهم در جامعه‌شناسی انتقادی است و نمی‌توان انتظار داشت دانشجویانی که این سرفصل‌ها را می‌آموزند نسبت به رخداد آن در محیط پیرامون خود بی‌تفاوت باشند.

لذا بهتر است مسئولان دانشگاه تهران به جای

روزهای پایانی سال گذشته شاهد احضار تعدادی از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به کمیته انضباطی بودیم. احضارهایی که به صورت دسته‌جمعی صورت گرفت و تاکنون نیز علی‌الظاهر، با وجود درخواست دانشجویان احضار شده، دانشگاه تهران از بیان اینکه علت احضارها چه بوده است، استنکاف ورزیده است. با این وجود وجه مشترک دانشجویان احضار شده یعنی فعالیت در حوزه‌ی مطالبات صنفی دانشجویان، باعث شد تا این اقدام به عنوان برخورد مجموعه‌ی دانشگاه تهران با مطالبات صنفی دانشجویان تلقی گردد. برخوردی که در تداوم برخی فشارهای سابق بر فعالان صنفی در فضای دانشگاه ارزیابی می‌شود. به هر حال معنای «احضار دسته‌جمعی» برای دانشجویان معلوم و مشخص است. اما سؤال اصلی در این زمینه اینجا است که چرا دانشگاه تهران، در دولت تدبیر و امید که هم مسئولان دولتی و هم مدیران دانشگاهی‌اش سخن از رفع فضای بسته و فراهم شدن فضا برای فعالیت و طرح مطالبات دانشجویی می‌گویند و نمی‌توان هم انکار کرد که در کلیت در مقایسه با دولت قبل فضای دانشگاه قدری بازتر شده است، همچنان در چنین مواردی بر روال دولت پیشین عمل می‌کند و شیوه «احضار و برخورد» را برای مدیریت فضای دانشگاه انتخاب می‌کند؟ این در حالی است که دانشگاه در مجموع در دو سال گذشته از فضایی آرام و بی‌تنش برخوردار بوده است و دانشجویان نشان داده‌اند که بر اساس تجربیات پیشین به خوبی آموخته‌اند که مطالبات خود را در قالب‌های منطقی و مستدل پیش ببرند.

در طول یک سال گذشته بارها دانشجویان در مسائل مختلف نسبت به «پولی‌سازی دانشگاه»، «واگذاری خدمات دانشگاهی به بخش خصوصی»، «کلاسی شدن آموزش»، «افزایش سهمیه‌ی دانشجویان در پرداخت هزینه‌های خدماتی مانند خوابگاه، تغذیه، شهریه و ...»، «سهمیه‌بندی جنسیتی»، «بومی‌گزینی»، «آیین‌نامه‌های نامناسب فعالیت صنفی» و ... اعتراض کرده‌اند. اما تاکنون تقریباً هیچ یک از مسئولان عالی‌رتبه‌ی دانشگاهی و وزارتی حاضر نشده‌اند نسبت به برآورده شدن هر یک از این مطالبات واکنش جدی نشان ندهند. محور کلیه‌ی این اعتراضات، «بی‌عدالتی» و «تبعیض» در فضای دانشگاه بوده است که متأسفانه هم‌چنان نیز ادامه دارد. اعتراضات دانشجویان در این حوزه نیز در سطح کلان معطوف به نقد «واگذاری مسئولیت‌ها و تکالیف اجتماعی و عمومی دولت» در حوزه دانشگاه است و به کرات، به تبعات آن مانند ایجاد شکاف‌ها و تنش‌های طبقاتی، قومیتی و مذهبی در جامعه تذکر داده شده است. از دست رفتن ظرفیت‌های